

مدل علی تصور از خدا و رشد اخلاقی با میانجی‌گری خردمندی در دانش‌آموزان دختر تیزهوش دوره دوم دبیرستان

مریم عبدالهی مقدم *

هوشنگ گراوند **

سعیده سبزیان ***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل علی تصور از خدا و رشد اخلاقی با میانجی‌گری خردمندی در دانش‌آموزان دختر تیزهوش صورت پذیرفت. روش پژوهش، همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری بود. جامعه‌ی این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر تیزهوش (۳۴۰ نفر) شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. حجم نمونه آماری برابر ۱۵۷ تعیین شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انجام شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس سنجش خردمندی (AWS)، مقیاس رشد اخلاقی (MDS) و پرسشنامه تصور از خدا (NGQ) بود. تحلیل داده‌ها به روش آماری مدل معادلات ساختاری انجام شد. بر اساس نتایج این پژوهش، مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. به‌طور کلی نتایج غیرمستقیم مدل پژوهش نشان داد که تصور از خدا از طریق میانجی‌گری خردمندی اثر غیرمستقیم بر رشد اخلاقی دارد. بر طبق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود برای ترویج رفتار اخلاقی و اهمیت دادن به اصول اخلاقی‌محور، بر تقویت خردمندی و تصور از خدا در برنامه‌ریزی‌های تربیتی، آموزشی و به‌خصوص مشاوره‌ای تأکید شود و خداآگاهی نوجوانان مورد توجه باشد.

واژه‌های کلیدی:

تصور از خدا، خردمندی، دانش‌آموزان تیزهوش، رشد اخلاقی.

* نویسنده مسئول: دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. مشاور دبیرستان فرزندان و مدرس دانشگاه.

Email: m.abdolahi65@yahoo.com

** استادیار گروه روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

*** استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۸ دی ۱۴۰۱ تاریخ اصلاحیه: ۷ بهمن ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

مقدمه

تحول اخلاقی^۱ و ارزشی در نوجوانی بیش از هر دوره دیگری است؛ به طوری که رشد سریع شناختی در نوجوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی قضاوت کند و در برخورد با این مسائل، واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهد؛ همچنین، تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجهه‌ی نوجوانان با مسائل زندگی و انتظارات والدین و دوستان و اطرافیان و تجارب تازه‌ای که در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود کسب می‌کنند درگیری آنان را با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر می‌کند و زمینه‌های رشد آنان را در این امور گسترش می‌دهد (سانتراک^۲، ۲۰۱۴). مفهوم اخلاق در روانشناسی به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی به یک سلسله ارزش‌ها و باورهای درونی اطلاق می‌شود که به‌عنوان یکی از عوامل مهارکننده عمل می‌کند (امینی، حنیفی و ایمانی، ۱۳۹۹). در این راستا پژوهش‌ها (از جمله؛ رفاهی، بهمنی، نیری و نیری^۳، ۲۰۱۵؛ مدبر، صدری و محمدی، ۱۳۹۷) حاکی از تأثیر عوامل مختلف بر رشد اخلاقی می‌باشد که یکی از این عوامل، مؤلفه مذهبی است. تصور از خدا^۴ یک متغیر پیچیده روان‌شناختی است که نیاز به تعریف روشن‌تر و عملیاتی‌تری دارد و تحت حیطه وسیع‌تری به نام دین قرار دارد و به‌عنوان یکی از مراحل رشد معنوی در روانشناسی اسلامی در نظر گرفته شده‌است (غباری بناب و حدادی کوثر، ۲۰۱۱). برخی نویسندگان به تصور از خدا به‌عنوان مفهوم خدا اشاره کرده‌اند (جونگر و زوک^۵، ۲۰۰۸). برخی به‌عنوان خدای بازنمایی شده^۶ از آن نام برده‌اند؛ بازنمایی موضوع انتقالی شخصی‌سازی شده^۷ و بازنمایی موضوع درونی^۸ (پارک، کوهن و هرب^۹، ۱۹۹۰). شی^{۱۰} (۱۹۹۵) به نقل از خطیبی، حقیقی، طیبی، انصاری و سلیمی، ۱۳۹۴) نیز تصور از خدا را به‌عنوان خدای فرامان^{۱۱} و خدای مافوق فرامان را در تلاش برای فهم هسته ساختاری تصور از خدای بزرگسالان به‌کار می‌برد. بنابراین، با توجه به استفاده از سازه‌های مختلف در مورد تصور از خدا، به نظر می‌رسد که تفاوت ایجاد شده بین مفهوم خدا و تصور از خدا بیشتر ناشی از تفاوت‌های ابزارهای اندازه‌گیری شده باشد. نورنزیان^{۱۲} (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان "آیا دین، انسان را

اخلاقی می‌کند؟" به این نتایج دست یافت که اولاً، آگاهی از سازوکارهای موجود در ادیان، افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این راستا، ادیان، رفتار اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ دوم، ارتباط دین با اخلاق از نظر فرهنگی ثابت نیست و این ارتباط در گروه‌ها کوچک و ضعیف است و باتوجه به بزرگی گروه‌ها و پیچیدگی اجتماعی جوامع افزایش می‌یابد. سوم اینکه تمایل اخلاقی که موجب همکاری و تعاملات می‌شوند، مستقل از دین تکامل می‌یابند. در پژوهش عباس‌زاده، عظیمی و رنج‌دوست (۱۳۹۸)، با عنوان تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی در چهارچوب تعلیم و تربیت اسلامی، نتایج نشان داد که از میان مؤلفه‌های فرعی به‌دست آمده، مهم‌ترین نیاز، افزایش توجه به مؤلفه "اصول اخلاق قراردادی" بوده است. در پژوهش‌های مختلف (از جمله؛ جونز، تیفانی و جونز^{۱۳}، ۲۰۲۲، نیووزنی، مسویی، پتازینسکی، زیکا و نوواکووسکی^{۱۴}، ۲۰۲۰؛ کریتورو و موتتو^{۱۵}، ۲۰۱۴؛ جاویدان، دهقان، شمسی‌گوشکی و عباسی، ۱۳۹۱؛ قربانی، ۱۳۹۴) ارتباط مستقیم رشد و مسئولیت اخلاقی و دین (تصور از خدا به‌عنوان یک مؤلفه‌ی دینی) تأیید شده است. یکی از متغیرهایی که از تصور از خدا تأثیر می‌پذیرد (زاپین^{۱۶}، ۲۰۰۷؛ کچویی و هوشیاری، ۱۳۹۹؛ موحد، ابوالمعالی‌الحسینی و باقری، ۱۴۰۰) و خود نیز بر رشد اخلاقی تأثیر می‌گذارد، خردمندی است (آزادمنش، ابوالمعالی و محمدی، ۱۳۹۹). در علم روانشناسی، خردمندی می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی^{۱۷}، یک توانایی شناختی^{۱۸} و یا ترکیبی از هر دو دیده شود (ژست^{۱۹} و همکاران، ۲۰۲۱). به علت اینکه ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های شناختی به‌عنوان یک وضعیت برجسته در بیشتر مواقع نشان داده می‌شوند، طبیعی است که لازم است خردمندی در یک دوره زمانی در مدارس رشد داده شود (برویا و آردلت^{۲۰}، ۲۰۱۸). مفهوم خردمندی بر خلاف استفاده از آن در حوزه‌های دین، ادبیات و فلسفه، در دو دهه‌ی گذشته در متون روان‌شناسی مورد توجه بسیار قرار گرفته و حجم بسیاری از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است (استادینگر و لاو^{۲۱}، ۲۰۲۲). خردمند از دیدگاه روانشناسان دارای سه بُعد درون‌فردی

12. Norenzayan

13. Jones, Tiffany & Jones

14. Nieuważny, Masui, Ptaszynski, Rzepka & Nowakowski

15. Croitoru & Munteanu

16. Zapien

17. Personality Trait

18. Cognitive Ability

19. Jeste

20. Bruya & Ardlet

21. Staudinger & Law

1. Moral Evolution

2. Santrock

3. Refahi, Bahmani, Nayeri & Nayeri

4. The notion of GOD

5. Jonker&Zock

6. Represented

7. Personalized

8. Internal Subject

9. Park, Cohen & Herb

10. Shey

11. Super Ego God

پانو و لئون^۲، ۲۰۱۹). ارزیابی‌های اخلاقی، انگیزه‌ها و رفتارهای احتمالی (مانند اخلاق) به‌عنوان عناصر مهم خرد محسوب می‌شوند (فراری و پتروسکی^۳، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش پازوپاتی و استادینگر^۴ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که استدلال اخلاقی با عملکرد مرتبط با خرد رابطه مثبت دارد و عملکرد مبتنی بر خرد بسیار بالا در میان کسانی که استدلال اخلاقی بسیار کمی دارند، بعید است. همچنین، افزایش سن تنها در مورد افرادی که سطح بالایی از استدلال اخلاقی دارند، با سطح بالاتری از دانش و قضاوت مربوط به خرد در ارتباط است. پژوهش دسی و رودلاندو^۵ (۲۰۱۷) نیز که با هدف بررسی روابط بین وجدان و خرد با فضایل اخلاقی مانند همدلی، مهربانی، تحمل، عدالت، احترام، انجام شد و یافته‌ها نشان داد سطح کلی خرد در میان پاسخ‌دهندگان متوسط است و ضریب همبستگی ضعیف و معناداری بین وجدان با خرد وجود دارد.

از آنجا که رشد اخلاقی یکی از جنبه‌های مهم رشد روانی- اجتماعی است و در موقعیت‌های مختلف می‌تواند عاملی مؤثر بر رفتار انسان‌ها باشد، مطالعه آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. در حوزه‌ی تحول اخلاقی نوجوان و رابطه آن با مؤلفه‌های مختلف، پژوهش‌های متعددی انجام شده است، اما یکی از موضوع‌هایی که در پیشینه‌ی رشد اخلاقی به آن کمتر توجه شده، بحث تصور از خدا و خردمندی است. در واقع، پژوهش حاضر قصد دارد الگوی پیشنهادی را که برگرفته از پژوهش‌های بررسی شده در این حوزه است، آزمون کند. بنابراین، سؤال اساسی این است که آیا خردمندی بین تصور از خدا و رشد اخلاقی نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس تیزهوشان شهر خرم‌آباد می‌باشد، که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بودند. طبق آماری که از طریق اداره کل آموزش و پرورش در اختیار این پژوهش قرار گرفت، تعداد ۳۴۰ دانش‌آموز دختر در دوره متوسطه دوم در پایه‌های اول، دوم و سوم در این شهر مشغول به تحصیل هستند. برای انتخاب گروه نمونه، ملاک کلاین^۶ (۲۰۱۵)، مبنی بر انتخاب تعداد شرکت‌کنندگان پژوهش بر اساس ۱۰ تا ۲۰ برابر تعداد پارامترهای مدل صورت گرفت؛ لذا تعداد ۱۶۰ نفر به‌عنوان

(برای نمونه؛ به خود توجه داشتن و باهوش بودن)، بین‌فردی (اهمیت دادن به دیگران و اثرات مفید داشتن برای دیگران) و در ارتباط با اجتماع (تعهد داشتن به جامعه و قوی بودن پیوندهای اجتماعی) است و از دیدگاه مذهبی چهار بُعد ارتباط با خدا، درون‌فردی، بین‌فردی و ارتباط با دنیا و آخرت می‌باشد؛ شناختن خدا و عالی دانستن او بُعد شناختی انسان خردمند و به خدا ایمان داشتن، به او حسن اعتماد داشتن، از خدا خوف داشتن و انجام کارهای اخلاقی، ویژگی عاطفی این انسان را به تصویر می‌کشد (موحد، ابوالمعالی‌الحسینی و باقری، ۱۴۰۰). در دیدگاه درون‌فردی و بین‌فردی دینی، اهمیت اخلاق و ارتباطات انسانی به روشنی نشان داده شده است. خردمندی انسان در گرو پذیرش و به‌کار بستن اخلاقیات است و ارتباط صحیح در تعامل با انسان‌ها را تعیین و تبیین می‌کند. در پژوهش‌هایی از جمله زاپین (۲۰۰۷)، کچویی و هوشیاری (۱۳۹۹) و موحد، ابوالمعالی‌الحسینی و باقری (۱۴۰۰) رابطه بین خردمندی و خداآگاهی تأیید شده است. به این معنی که تقویت خداآگاهی قادر است خردمندی افراد را افزایش دهد و در تعداد اندکی از پژوهش‌ها (از جمله ژست و همکاران، ۲۰۲۱)، ارتباط ضعیفی بین معنویت^۱ و خردمندی وجود داشته است؛ به‌طوری‌که معنویت با بهزیستی روانی که محصول خرد است، ارتباط قوی و با خردمندی ارتباط کم‌رنگی داشته است. در پژوهش میکائیلی، اسرافیلی و بشرپور (۱۳۹۷)، که در مورد الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتارهای پرخطر انجام شد، نتایج نشان داد اولاً افراد دیندار به دلیل اینکه برای عملکردها و رفتار خود بر اساس مفاهیم و باورهای دینی چارچوب تعیین می‌کنند به سمت رفتارهای پرخطر نمی‌روند. دوماً ارتباط خردمندی و گرایش به رفتارهای پرخطر دارای رابطه منفی معنادار بوده است؛ زیرا افراد با خردمندی بالا، با رویکرد عقلانی به جهان و آن می‌نگرند و قادرند موانع و مسائل زندگی را به روش منطقی نه هیجانی، حل و فصل کنند و سوماً رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش به رفتارهای پرخطر، نیز دارای رابطه منفی و معنادار بوده است؛ زیرا هوش اخلاقی به افراد کمک می‌کند تا بتوانند درست را از نادرست تشخیص دهند و به‌جای تکانشی عمل کردن، صبر بیشتری داشته باشند. در نهایت، ارتباط بین هر سه مؤلفه ذکر شده، مستقیم و معنادار بود. اخلاق راه درست و نادرست را نشان می‌دهد. اصول اخلاقی دارای شاخص‌هایی از توصیف انسانیت انسان مانند خوب، بافضیلت، منصفانه، درست یا اخلاقی است (المرز، واندرتورن،

4. Pasupathi & Staudinger
5. Desi & Rodelando
6. Kline

1. Spirituality
2. Ellemers, Van der Toorn, Paunov & Van Leeuwen
3. Ferrari & Potworowski

دست آمد. همچنین، در پژوهش حاضر مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های تجربه‌های بحرانی زندگی، نظم‌جویی هیجانی، مرور خاطرات و بازبینی آن‌ها، شوخ‌طبعی و گشودگی به تجربه به ترتیب برابر با ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۷۸، ۰/۷۵، ۰/۷۹ و نمره کل خردمندی ۰/۸۷ به دست آمد.

۲. مقیاس رشد اخلاقی^۶ (MDS): این ابزار در ایران توسط معنوی‌پور (۱۳۹۱) بر مبنای فرهنگ ایرانی ساخته شده است. معنوی‌پور (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان ساخت مقیاس سنجش رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان نشان داد که شاخص‌های پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و روایی به روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی این آزمون در حد مناسبی است و می‌توان از این آزمون برای سنجش رشد اخلاقی دانش‌آموزان استفاده نمود. قابل ذکر است که تحلیل عاملی سؤال‌ها در پژوهش نام برده نشان داد که ۵۵ درصد واریانس نمره‌های رشد اخلاقی توسط مقیاس ساخته شده تبیین می‌شود. همچنین، شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی نشان‌دهنده برازش ساختار عاملی مورد نظر با داده‌های جمع‌آوری شده است. علاوه بر این، در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای اخلاق اجتماعی، اخلاق پس‌عرفی، اخلاق عرفی و اخلاق پیش‌عرفی به ترتیب معادل ۰/۷۸، ۰/۷۵، ۰/۸۲ و ۰/۷۴ و برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۴ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه می‌باشد.

۳. پرسشنامه تصور از خدا (NGQ):^۷ پرسشنامه تصور از خدا از مقیاس وضعیت مذهبی^۸ (RSI) گرینوی، مایلن و کلارک^۹ (۲۰۰۳)، از آیتم‌هایی که مربوط به خداوند بوده، اقتباس و به‌کار گرفته شده است (گرینوی، مایلن و کلارک، ۲۰۰۳). این آزمون شامل سه خرده‌آزمون، حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند است. این پرسشنامه توسط خسروی (۱۳۸۴)؛ به نقل از امید، فرحوش، احمدی و افتخار اربابی، (۱۳۹۹) ترجمه شده است. کلاین^{۱۰} (۱۹۹۳) پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به دست آورد و آن را نشانه پایایی درونی خوب این آزمون می‌داند (گرینوی و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین، برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش روایی همزمان استفاده کردند و همبستگی پرسشنامه تصور از خدا را با پرسشنامه نگرش‌های مذهبی خدایاری فرد

نمونه آماری پژوهش در نظر گرفته شد؛ شرکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، از بین دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه مدارس تیزهوشان شهر خرم‌آباد انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به این پژوهش، اعلام رضایت آگاهانه معلم و دانش‌آموز برای شرکت در مطالعه، تحصیل در مقطع متوسطه و در مدرسه تیزهوشان بوده است. عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه و تکمیل ناقص پرسشنامه بیش از ۵ درصد سؤالات از معیارهای خروج از پژوهش بود. در مجموع بر اساس معیارهای ورود و خروج، ۱۶۰ نفر وارد مطالعه شدند که ۳ نفر به خاطر تکمیل ناقص پرسشنامه از مطالعه خارج و در نهایت ۱۵۷ نفر تجزیه و تحلیل شد. در این پژوهش برای تحلیل آماری داده‌ها، از شاخص‌ها و روش‌های تحلیل توصیفی- استنباطی استفاده شده است. برای به‌دست آوردن شاخص‌های توصیفی و بررسی همبستگی دوبه‌دوی متغیرهای پژوهش از روش همبستگی پیرسون با نرم‌افزار بسته آماری برای علوم اجتماعی^۱ ۲۲- SPSS و برای بررسی برازندگی مدل از روش تحلیل مسیر با نرم افزار آمو^۲ ۲۴- AMOS استفاده شده است. همچنین برای بررسی روابط غیرمستقیم مسیرها از روش بوت استرپ^۳ استفاده شد.

ابزار سنجش

۱. مقیاس سنجش خردمندی^۴ (AWS): وبستر^۵ (۲۰۰۳) به نقل از کرد نوقایی، (۱۳۹۶) به‌منظور اندازه‌گیری و بررسی خردمندی، مقیاسی را طراحی کرد که شامل ۴۰ ماده است. این مقیاس پنج زیرمقیاس دارد که عبارت است از تجربه‌های بحرانی زندگی، نظم‌جویی هیجانی، مرور خاطرات و بازبینی آن‌ها به‌منظور دیدن وجوه مختلف، گشودگی به تجربه و شوخ‌طبعی. نتایج تحلیل عاملی، مدل پنج مؤلفه‌ای را نشان داد و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس معادل ۰/۹۰ و اعتبار بازآزمایی آن پس از دو هفته برابر ۰/۸۴ بود (وبستر، ۲۰۰۷). در این ابزار، نمره کل از حاصل جمع همه ماده‌ها به دست می‌آید. در تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازش استخراج شده مدل پنج عاملی نسبت به مدل اصلی برازش مطلوب‌تری با داده‌ها داشت. برای بررسی اعتبار نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های تجربه‌های بحرانی زندگی، نظم‌جویی هیجانی، مرور خاطرات و بازبینی آن‌ها، شوخ‌طبعی و گشودگی به تجربه به ترتیب برابر با ۰/۵۹، ۰/۷۵، ۰/۷۶، ۰/۷۳، ۰/۵۵ و نمره کل خردمندی ۰/۸۶ به

6. Moral Development Scale
7. Notion of God Questionare
8. Religious Status Inventory
9. Greenway, Milne & clarke
10. Klein

1. Statistics Package for The Social Sciences
2. Analysis of Moment Structures
3. Bootstrap
4. Assessing Wisdom Scale
5. Webster

گونه‌ای بود که پژوهشگران نیز اسامی افراد و این که پاسخ پرسش‌ها متعلق به چه شخص خاصی است را نمی‌دانستند.

یافته‌ها

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که از ۱۵۷ نفر مورد مطالعه، ۱۰۰ نفر (۶۳/۷٪) رشته تجربی، ۲۷ نفر (۱۷/۲٪) رشته ریاضی و ۳۰ نفر (۱۹/۱٪) رشته انسانی بودند. ۸۷ نفر (۵۵/۴٪) پایه اول، ۶۲ نفر (۳۹/۵٪) پایه دوم و ۸ نفر (۵/۱٪) پایه سوم بود. همچنین، ۱۵ نفر (۹/۶٪) شرکت‌کنندگان دارای وضعیت اقتصادی ضعیف، ۱۲۷ نفر (۸۰/۹٪) وضعیت اقتصادی خوب و ۱۵ نفر (۹/۶٪) وضعیت اقتصادی عالی بودند و در نهایت، میانگین و انحراف معیار سن افراد به ترتیب برابر $15/95 \pm 2/24$ بود. جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

محاسبه کردند و ضریب همبستگی به دست آمده را برابر ۰/۶۷ گزارش کردند که معنادار است. علاوه بر این، در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند به ترتیب معادل ۰/۸۱، ۰/۸۰ و ۰/۸۶ و برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۷ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه می‌باشد.

شیوه اجرای پژوهش

جهت اجرای پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار نمونه مورد مطالعه قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا در صورت رضایت کامل بدون نوشتن مشخصات شخصی خود در پژوهش شرکت کنند. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، عنوان پژوهش به شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و به محرمانه ماندن اطلاعات اطمینان داده شد. از آنجایی که داده‌ها به صورت پرسشنامه و بدون نام و مشخصات فراهم شد، در نتیجه به

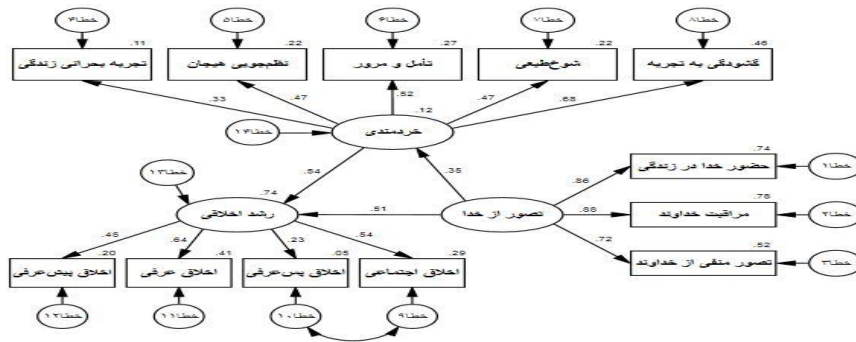
جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، کجی، کشیدگی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱. تصور از خدا			
۲. خردمندی	۰/۳۰***		
۳. رشد اخلاقی	۰/۴۵***	۰/۴۰***	
میانگین	۳/۵۸	۳/۶۵	۳/۱۲
انحراف استاندارد	۰/۵۷۴	۰/۳۸۳	۰/۳۷۹
کجی	-۰/۷۰۷	-۰/۵۱۹	-۰/۵۴
کشیدگی	۰/۵۲	۰/۹۴	-۰/۰۰۵

* $P < .05$ ** $P < .01$

که مقادیر ارزش‌های تحمل به دست آمده برای متغیرها بالای ۰/۱۰ و در دامنه ۰/۳۷ تا ۰/۸۸ بود که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است. همچنین، مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ و در دامنه ۱/۱۳ تا ۲/۷ بود که بیانگر نبود هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین است. مدل اصلاح شده نهایی در حالت ضرایب استاندارد، در شکل ۱ نشان داده شده است.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، رابطه‌ی بین همه‌ی متغیرها معنی‌دار می‌باشند ($P < .01$). مقادیر کجی و کشیدگی مربوط به تمام متغیرهای مشاهده شده، کمتر از یک بود که بیانگر آن است که توزیع هیچ‌کدام از متغیرهای مشاهده شده، تفاوت معنی‌دار با توزیع نرمال ندارد. هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین نیز با استفاده از آماره اغماض یا تحمل^۱ و عامل تورم واریانس^۲ بررسی شد. نتایج نشان داد



شکل ۱. مدل اصلاح شده نهایی تأثیر تصور از خدا بر رشد اخلاقی با میانجی‌گری خردمندی

2. Variance Inflation Factor (VIF)

1. Tolerance

در جدول ۲ ضرایب اثر مستقیم و سطح معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۲. ضریب مسیر مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر	b	S.E	B	C.R	sig
تصور از خدا - رشد اخلاقی	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۵۱	۴/۱۳	۰/۰۰۱
تصور از خدا - خردمندی	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۳۵	۲/۳۴	۰/۰۱۹
خردمندی - رشد اخلاقی	۰/۷۲	۰/۲۹	۰/۵۴	۲/۴۶	۰/۰۱۴

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود مسیر تصور از خدا بر متغیرهای خردمندی ($\beta=0/35, P<0/05$) و رشد اخلاقی ($\beta=0/51, P<0/01$) دارای اثر مثبت و معنی‌دار بودند. همچنین خردمندی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اخلاقی بودند ($\beta=0/54, P<0/05$). جدول ۳ نتایج حاصل از روش بوت استراپ را برای روابط واسطه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضریب مسیر غیرمستقیم مدل نهایی رشد اخلاقی با استفاده از روش بوت استراپ

مسیر	β	فاصله اطمینان ۹۵٪		سطح معنی‌داری
		حد بالا	حد پایین	
متغیر پیش‌بین تصور از خدا	۰/۱۹	۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۰۲
متغیر واسطه‌ای خردمندی				
متغیر ملاک رشد اخلاقی				

نتایج غیرمستقیم مدل نشان داد که تصور از خدا از طریق میانجی‌گری خردمندی اثر غیرمستقیم بر رشد اخلاقی دارند. شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده نهایی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده

شاخص	χ^2	df	P	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	TLI
مدل پیشنهادی	۷۸/۱۶	۰/۵۱	۰/۰۰۹	۱/۵۳	۰/۰۵۸	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۸۴	۰/۹۴	۰/۹۲
مدل اصلاح شده	۶۸/۶۴	۵۰	۰/۰۴	۱/۳۷	۰/۰۴۹	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۸۶	۰/۹۶	۰/۹۴
مقدار مطلوب	-	-	>0/05	<3	<0/08	>0/90	>0/90	>0/90	>0/90	>0/90	>0/90

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که مدل نهایی با داده‌ها برازش مطلوب دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی الگوی علی تصور از خدا و رشد اخلاقی با میانجی‌گری خردمندی بوده است. ارتباط مستقیم و معنادار تصور از خدا و رشد اخلاقی به‌عنوان فرضیه اول این پژوهش مطرح شده است که تأیید می‌شود. این یافته هماهنگ با یافته‌های جونز، تیفانی و جونز (۲۰۲۲)، کریتور و مونتو (۲۰۱۴) و قربانی (۱۳۹۴) می‌باشد. در عصر حاضر، بشر دچار بحران هویت معنویت و اخلاق شده است. بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و کمرنگ شدن آن در تربیت نسل جدید به چشم می‌خورد و یکی از علل مهم این مسئله، کم‌اهمیتی به مذهب و حضور خداوند در زندگی و مراقبت اوست. قواعد اخلاقی از جمله سپاسگزاری نسبت به کارهایی که دیگران برای ما انجام داده‌اند، احسان به دیگران، وفاداری نسبت به وعده‌هایی که به دیگران داده

می‌شود، خودشکوفایی و آسیب نرساندن به دیگران ارتباط تنگاتنگی با تصور از خدا دارند. عدم رعایت اصول اخلاقی و پایبند نبودن به آن، روابط اجتماعی افراد را مختل کرده و بی‌اعتقادی به وجود خدا را به همراه دارد. دانش‌آموزان در این سن، در سطح اخلاق پس‌قراردادی و مبتنی بر اصول اخلاقی قرار دارند. اخلاق فراتر از قراردادهای اجتماعی می‌رود و براساس اصول عام و فراگیر مبتنی می‌شود. دانش‌آموز تصمیم‌های اخلاقی خود را مستقل از قدرت اطرافیان و پدر و مادر می‌گیرد و سرپیچی از اصول عام جهانی باعث احساس گناه و محکومیت او می‌شود، اما با این حال، آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی، آن‌طور که باید در وجود دانش‌آموزان نهادینه نشده است و مسئله آموزش اخلاق از وضعیت مطلوب برخوردار نیست و آموزش مسائل اخلاقی گاه با تأثیرات معکوس همراه می‌شود. از طرف دیگر، ارتباط مستقیم و معنادار تصور از خدا و خردمندی به‌عنوان فرضیه دوم این پژوهش تأیید می‌شود و هماهنگ با یافته‌های زاپین

خردمند را از خویش فراتر می‌برد، مهربانی و کمک به دیگران یا همان اخلاق اجتماعی و نوع‌دوستی است. کمک به دیگران به تعبیری کمک به خود است. انسان با دیگرخواهی و خیرخواهی برای لحظاتی از خودمحوری دست می‌کشد و در اندیشه دیگران فرو می‌رود. از طرف دیگر، باور به خدا هم با خیرخواهی برای دیگران همراه است. توجه افراطی به خود و تمرکز دائمی بر اینکه چه چیز به نفع من است و از چه راهی سود بیشتری حاصل می‌کنم و می‌توانم بر دیگران غلبه کنم نتیجه‌ای جز تباهی ندارد. راه رستگاری در بیرون آمدن از خود و توجه و کمک به دیگران است. البته منظور این نیست که فرد، خود را فراموش کند و دچار فداکاری‌های افراطی شود بلکه خرد، برقراری توازن بین خواسته‌های خود و دیگران است.

محدودیت پژوهش حاضر، مقطعی بودن آن است و نیاز است که در زمینه خردمندی و رشد اخلاقی مطالعات دقیق‌تر و به‌صورت طولی انجام گیرد. استفاده از روش‌های دیگر مانند مصاحبه‌های بالینی در کنار اجرای پرسشنامه‌ها می‌تواند منجر به افزایش دقت در پژوهش شود. پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر به‌روی دانش‌آموزان تیزهوش پسرانه هم انجام شود تا زمینه مقایسه آن‌ها با دختران فراهم شود. همچنین، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دانش‌آموزان در جهت رشد اخلاقی آن‌ها با تأکید بر خردمندی و کمک به اصلاح باورهای اعتقادی آن‌ها- با در نظر گرفتن هسته اصلی خردمندی یعنی تفکر- پیش رفت. به تمام مسئولین تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود، راهکارهای لازم برای خداپاوری و رشد اخلاقی در دانش‌آموزان بر مبنای آگاه‌سازی خانواده‌ها از آسیب‌های عدم تعهد به این دو مؤلفه داده شود. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که خانواده‌های این دانش‌آموزان هم از نقص اخلاقی رنج می‌برند. بنابراین، می‌توان با انجام مشاوره‌های فردی و جلسات مستمر آموزش خانواده جهت نیرومند ساختن خردمندی و تصور از خدا در آن‌ها به تقویت رشد اخلاقی پرداخت.

تقدیر و تشکر

در این پژوهش از مدیریت محترم دبیرستان خانم دکتر غلامی‌نژاد و همه دانش‌آموزان مدرسه که همکاری لازم را نموده‌اند تشکر می‌نماییم.

منابع

آزادمنش، م.، ابوالمعالی، خ.، و محمدی، ا. (۱۳۹۹). روابط ساختاری بین خرد و رفتار اخلاقی: نقش واسطه‌ای خودمهارگری. *مجله روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*. ۱۶(۶۳)، ۳۳۱-۳۲۱.

(۲۰۰۷)، کچویی و هشیاری (۱۳۹۹) و موحد، ابوالمعالی‌الحسینی و باقری (۱۴۰۰) و ناهمانگ با یافته ژست و همکاران (۲۰۲۱) می‌باشد. بر اساس نظر موحد، ابوالمعالی‌الحسینی و باقری (۱۴۰۰) که در مقدمه اشاره شد، باور به خدا به نوعی پایه و اساس خردمندی است. در این شناخت، نگرش و رفتارها برای خداوند، حقوقی به تصویر کشیده شده است که وظایفی را برای انسان خردمند ارمغان می‌آورد. انسان خردمند به زندگی دلخوش نیست و با ویژگی‌های به دنیا بی‌توجه بودن، از دنیا دوری کردن و ... توصیف می‌شود. او خوشی و راحتی خود را تنها در آن جستجو نمی‌کند، بلکه آن را پلی برای عبور و رسیدن به زندگی جاودانی می‌داند. فرضیه سوم پژوهش هم که ارتباط مستقیم و معنادار بین خردمندی و رشد اخلاقی بوده است، تأیید می‌شود که همانگ با یافته‌های دسی و رودلاندو (۲۰۱۷) و پازوفی و اشتادینگر^۱ (۲۰۰۱) می‌باشد. از یک طرف، تحول اخلاقی ارتباط بسیار نزدیکی با تحول شناختی دارد؛ به طوری که تحول شناختی پایه و بنیان تحول اخلاقی است؛ بنابراین تحول اخلاقی نمی‌تواند از سطح تحول شناختی فراتر رود (ژانگ و ژائو، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، افراد دارای نمره بالا در خردمندی بر طبق نظریه‌ها افرادی هستند که نسبت به دیگران رفتارها و هیجان‌های مثبت دارند و نگران دیگران هستند. این رفتارها بیانگر توجه این افراد به ارزش‌های انسانی است که در حیطه اخلاق می‌گنجد. با نگاهی به نظریات موجود، می‌توان نتیجه گرفت که خرد، یکپارچگی در افکار و اعمال است و باید در عمل فرد دیده شود؛ زیرا شرط اساسی برای خردمندی، ظاهر شدن آن در بافت زندگی واقعی فرد است. در اینجاست که می‌توان به نقش میانجی‌گری خردمندی در رابطه تصور از خدا و رشد اخلاقی پی برد که به‌عنوان فرضیه چهارم مطرح شده و تأیید می‌شود و با یافته میکائیلی، اسرافیلی و بشرپور (۱۳۹۷) همانگ است. اگر خردمندی را به‌عنوان شیوه‌ای از تفکر، احساس و رفتار که آثار مثبتی برای زندگی خود و دیگران به‌بار می‌آورد، تعریف کرد می‌توان به نقش کلیدی آن در رابطه تصور از خدا و رشد اخلاقی پی برد. باور به خدا اگر بر اساس اندیشیدن و خردمند بودن باشد می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای بروز رفتارهای اخلاقی عمل کند و اگر بر اساس الگوبرداری و بدون اندیشیدن باشد نمی‌تواند مانعی برای رفتارهای غیراخلاقی گردد. در بحث از خرد، صحبت از اوج رشد و کمال انسانی است. چیزی که ما در خداپاوری و اعتقاد به مراقبت خداوند می‌توانیم به آن دست یابیم که می‌تواند به‌درستی باعث رشد اخلاقی شود. یکی از کارهایی که انسان

- Bruya, B., & Ardelt, M. (2018). Wisdom can be taught: A proof-of-concept study for fostering wisdom in the classroom. *Learning and Instruction*, 58, 106-114.
- Croitoru, I., & Munteanu, H. (2014). The Moral-Religious Education—A Support of Self-Conscience Training. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 2155-2163.
- Desi, D., & Rodelando, O. (2017). Levels of moral intelligence virtues and wisdom development among selected Filipino working adults. *The Bedan Journal of Psychology*, 1, 61-66.
- Ellemers, N., van der Toorn, J., Paunov, Y., & van Leeuwen, T. (2019). The Psychology of Morality: A Review and Analysis of Empirical Studies Published From 1940 Through 2017. *Personality and Social Psychology Review*, 23(4), 332-366.
- Ferrari, M. O., & Potworowski, G. (2009). *Teaching for wisdom cross-cultural perspectives on fostering wisdom*. Netherlands: Springer.
- Bonab, B. G., & Koohsar, A. A. H. (2011). Reliance on God as a core construct of Islamic psychology. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 216-220.
- Greenway, A. P., Milne, L. C., & Clarke, V. (2003). Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God. *Mental Health, Religion & Culture*, 6(1), 45-58.
- Jeste, D. V., Thomas, M. L., Liu, J., Daly, R. E., Tu, X. M., Treichler, E. B., Barton W. P., & Lee, E. E. (2021). Is spirituality a component of wisdom? Study of 1,786 adults using expanded San Diego wisdom scale (Jeste-Thomas wisdom index). *Journal of Psychiatric Research*, 132, 174-181.
- Jonker, H. S., Eurelings-Bontekoe, E. H., Zock, H., & Jonker, E. (2008). Development and validation of the Dutch Questionnaire God Image: Effects of mental health and religious culture. *Mental Health, Religion and Culture*, 11(5), 501-515.
- Kline, R.B. (2015). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford publications.
- Nieuważny, J., Masui, F., Ptaszynski, M., Rzepka, R., & Nowakowski, K. (2020). How religion and morality correlate in age of society 5.0: statistical analysis of emotional and moral associations with buddhist religious terms appearing on japanese blogs. *Cognitive Systems Research*, 59, 329-344.
- Norenzayan, A. (2014). Does religion make people moral?. *Behaviour*, 151(2-3), 365-384.
- امیدی، ا.، فرهوش، م.، احمدی، م.، ر.، و افتخار اربابی، ر. (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای تصور از خدا در رابطۀ سبک‌های دلبستگی با رضایت از زندگی. *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۱۱.
- امینی، ز.، حنیفی، ف.، و ایمانی، م. ر. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران از نظر صاحب‌نظران به‌منظور ارائه مدل مناسب. *مجله توسعه آموزش جندی شاپور*، ۱۱(۲)، ۲۴۲-۲۲۷.
- جاویدان، ف.، دهقان، م.ص.، شمسی گوشکی، ا.، عباسی، م. (۱۳۹۱). تحلیل نظریه رشد اخلاقی کولبرگ با رویکرد قرآنی. *فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق زیستی*، ۲(۶)، ۴۸-۱۱۱.
- خطیبی، م.، حقیقی، ح.، طیبی، ی.، انصاری، م.، و سلیمی، م. (۱۳۹۴). تصور از خدا پیش‌بینی کننده کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام‌نور شهرستان کهگیلویه (دهدشت). *اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان*. اردیبهشت ۱۳۹۴، هرمزگان. ایران.
- عباس‌زاده، آ.، رنج دوست، ش.، و عظیمی، م. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه در چهارچوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. *نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۸(۴۷)، ۱۵۷-۱۴۱.
- قربانی، ق. (۱۳۹۴). نقش باور به خدا در چگونگی فهم آزادی و مسئولیت اخلاقی انسان. *مجله علمی تخصصی فلسفه دین، الهیات و دین‌پژوهی*، ۱(۱)، ۱۲-۳.
- کجویی، ف.، و هوشیاری، ف. (۱۳۹۹). نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین خداآگاهی و خردمندی. *دو فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اسلامی*، ۳(۲)، ۲۳-۱۷.
- کردنوقایی، ر. (۱۳۹۶). *روانشناسی خرد*. چاپ اول. تهران: نشر ارجمند.
- میکائیلی، ن.، اسرافیلی، ه.، و بشرپور، س. (۱۳۹۸). طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک زندگی اسلامی، خردمندی و هوش اخلاقی با گرایش به رفتار پرخطر: نقش واسطه‌ای بهزیستی روانشناختی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱(۱)، ۱۰۰-۸۲.
- مدیر، س.، صدری دمیرچی، ا.، و محمدی، ن. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سلامت روان دانش‌آموزان بر اساس باورهای دینی، خودکارآمدی تحصیلی و رشد اخلاقی. *فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۷(۴)، ۱۵۷-۱۴۳.
- موحد، ف.، ابوالمعالی الحسینی، خ.، و باقری، ف. (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای معیارشناسی خردمندی در روایات اهل بیت علیهم السلام با دستارودهای روانشناختی. *دو فصلنامه علمی- پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، ۹(۱۶)، ۸۴-۵۷.
- معنوی‌پور، د. (۱۳۹۱). ساخت مقیاس سنجش رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی نوآوری‌های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی)*، ۷(۴)، ۹۸-۹۶.

- Jones, P., Tiffany, J.P., Jones. M. J. (2022). Religious trauma and moral injury from LGBTQA +conversion practices. *Social Science & Medicine*. 305, 115040.
- Santrock, J.W. (2014). *Adolescence, Fifteenth Edition*. Published by McGraw-Hill Education, Penn Plaza, New York, NY 10121. Printed in the United States of America.
- Webster, J. D. (2007). Measuring the character strength of wisdom. *The International Journal of Aging and Human Development*. 65(2), 163-183.
- Zhang, Q., & Zhao, H. (2017). An analytical overview of Kohlberg's Theory of Moral Development in College Moral Education in Mainland China. *Open Journal of Social Sciences*. 5(8), 151-160.
- Zapfen, G.S. (2007). Discussing spirituality and the wisdom of aging. *Nursing for Womens Health*. 11(3), 233-234.
- Pasupathi, M., & Staudinger, U. M. (2001). Do advanced moral reasoners also show wisdom? Linking moral reasoning and wisdom-related knowledge and judgement. *International Journal of Behavioral Development*. 25(5), 401-415.
- Park, C., Cohen, L. H., & Herb, L. (1990). Intrinsic religiousness and religious coping as life stress moderators for Catholics versus Protestants. *Journal of Personality and Social Psychology*. 59(3), 562.
- Refahi, Z., Bahmani, B., Nayeri, A., & Nayeri, R. (2015). The relationship between attachment to God and identity styles with Psychological well-being in married teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 174, 1922-1927.
- Staudinger, U.M., Law, A. (2022). Wisdom. *Reference Module in Neuroscience and Biobehavioral Psychology*. 4(1), 375-381.

Investigating the causal model of the notion of GOD and moral development with mediating role of wisdom of gifted students

Maryam abdollahi moghadam *

Houshang garavand **

SaedeH sabzian ***

Abstract

In psychology, intelligence is considered a personality trait, cognitive ability, or a combination of both. The relationship between intelligence and consciousness has been explored in various studies, as both are foundational for moral development in adolescents. The present study investigated the causal model of belief in God and moral development with the mediating role of intelligence among gifted female students. The research design employed in this study was correlational, using structural equation modeling. The population consisted of all gifted female students (n=340) in Khorramabad during the academic year 2021-2022. The sample size was 160 participants, and cluster random sampling was employed. The instruments used in this study included the Smartness-Webster Scale (SWS), the Moral Development Scale (MDS), and the Religious Status Inventory (RSI). Data analysis was conducted using structural equation modeling. The results of this study indicated a good fit for the proposed model. Overall, the indirect effects of the research model demonstrated that belief in God indirectly affects moral development through the mediating role of intelligence. Based on the findings of this study, it is recommended to emphasize the promotion of ethical behavior and the importance of ethical principles by strengthening intelligence and belief in God in educational, instructional, and particularly counseling programs. Additionally, attention should be given to the consciousness of adolescents.

Keywords: *belief in God, intelligence, gifted students, moral development.*

* **Corresponding Author:** Ph.D. in Educational Psychology, Faculty of Economic and Social Sciences. Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran. Consuler of Education Consulting Center and teacher of university. **Email:** M.abdollahi65@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanity Sciences, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

*** Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of humanity Sciences, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran.